

ORIGINAL ARTICLE

آئین‌های شفا در فرهنگ مردم ترکمن

Traditional Medicine Method to Heal Diseases in Turkmen's Culture

Shahpour Ghajaghinejad¹, Salim Salimi Moayed²

- 1- Faculty member, Iranian Research institute for Cultural Heritage & Tourism, Tehran, Iran
2- Research Director, Iranian Research institute for Cultural Heritage & Tourism, Tehran, Iran

Correspondence: Shahpour Ghajaghinejad; Faculty member, Iranian Research institute for Cultural Heritage & Tourism, Tehran, Iran;
qshapour@yahoo.com

Abstract

In this article, we will explain the traditional medicine methods for treating diseases among Turkmen in Golestan province in northeastern Iran. The use of traditional medicine in the beliefs of these folks is of particular importance. The function of treatment methods and techniques for treating patients who do not have a proper mental condition or those who have pain in their various organs due to mental stress. The purpose of this article is to study the behavioral aspects of therapists and patients from the medical anthropology point of view. This article tries to describe the components of each healing ceremony of Turkmen and to examine the extent of this ethnic group's tendency toward healing rituals. Moreover, another part of this article is allocated to studying the behavior and feeling of patients in the rate of human recovery and their tendency to treatment of shamans.

Key words: folk medicine; Golestan province; Bandar Turkmen city; treatment of diseases; medical anthropology

Received: 10 Apr 2017; Accepted: 5 Jul 2017; Online published: 15 Dec 2017

Research on History of Medicine/ 2017 Dec; 6(Suppl. 1): 71-76.

شاهپور قجقی‌نژاد^۱
سلیم سلیمی مؤید^۲

- ۱- عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و
گردشگری، تهران، ایران
۲- مدیر پژوهشی پژوهشگاه میراث فرهنگی و
گردشگری، تهران، ایران

نویسنده مسئول: شاهپور قجقی‌نژاد، تهران خیابان امام خمینی
(ره)، نبش خیابان سام تیر، جنب موزه ملی ایران، کد پستی
۱۱۳۶۹۱۷۱۱۱ تلفن ۰۲۱-۶۶۷۳۶۴۵۲-۶۲

qshapour@yahoo.com



- 1- Azadegan, 2006: 120.
- 2- Kan'ani, 2007: 124.
- 3- Malek-Rah, 2006: 264.

خلاصه مقاله

در این مقاله به پژوهش آئین‌های بومی شفا در بین ترکمن‌های استان گلستان در شمال شرقی ایران می‌پردازیم. طب سنتی و درمانگری بومی در باورها و اعتقادات این اقوام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بررسی کارکرد شیوه‌ها و فنون درمان برای مداوای بیمارانی که از شرایط روحی مناسبی برخوردار نیستند و یا بیمارانی که به واسطه فشارهای روحی دچار درد در اعضای مختلف بدن خویش بوده‌اند، نیز تحلیل رفتار درمانگران محلی که از شخصیت جادویی برخوردارند، از اهداف این طرح است. این مقاله می‌کوشد از دیدگاه انسان‌شناسی اجزای هر یک از این مراسم و میزان گرایش این گروه قومی را نسبت به آئین‌های شفا بررسی نماید. همچنین مطالعه رفتار و احساس بیماران در میزان بهبود و گرایش آن‌ها به درمان شمن‌ها بخش دیگری از این پژوهش را به خود اختصاص می‌دهد.

واژگان کلیدی: طوایف مقدس، پُرخوان‌ها، ذِکْر خوانی، درمانگری بومی، درمان، ترکمن

مقدمه

این مقاله به بررسی آیین‌های شفا در فرهنگ مردم ترکمن می‌پردازد. ترکمن‌های ایران در استان گلستان از استان‌های شمالی ایران و استان خراسان شمالی زندگی می‌کنند. ترکمن‌های استان گلستان در چهار شهرستان گنبد کاووس، بندر ترکمن، آق‌قلا و کلاله و جمعیت بسیار اندکی در شهرستان گرگان سکونت دارند. این پژوهش در حوزه شهرستان گنبد کاووس و در بین ترکمن‌های این شهرستان و کلاله انجام شده است. در این مقاله به چهره‌های درمانگر بومی، فن‌ها و شیوه‌های درمان این گروه و میزان گرایش و باور مردم ترکمن به درمانگران و شخصیت و پایگاه اجتماعی آن‌ها در بین مردم می‌پردازیم.

این پژوهش در پی آن است تا مفهوم شفا را از دیدگاه سنتی در بین اقوام ترکمن بررسی نماید؛ نیز دریابد که میزان گرایش و دل‌بستگی بیماران به درمانگران بومی تا چه حد در بهبودی آن‌ها نقش دارد؛ همچنین شناسایی کند چه گروهی از بیماران مداوای خویش را نزد درمانگران بومی جست‌وجو می‌کنند و این باورها ریشه در کدام مکتب فکری دارد.

فنون درمان بدون دارو در نقاط مختلف کشور ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از مفاهیم کلیدی در شناخت فرهنگ ایرانی موضوع و مضمون شفای مقدس است. این شکل از شفای مقدس در آئین پُرخوانی نیز مشاهده می‌شود. پُرخوان به عنوان شخصیت درمانگر از قدرت خارق‌العاده‌ای برخوردار است و با به کار بردن روش‌هایی همچون خلسه، خواندن دعا و زمزمه نمودن زیر لب و ارتباط با دنیا و ابراء الطبیعه سعی در کنترل موجودات پنهانی بیمار خویش دارد. پُرخوانی از عالی‌ترین مراتب درمان بیماران روحی است که توسط «پُرخوان» انجام می‌شود.¹

از دیگر درمانگران بومی در جامعه ترکمن می‌توان به «دودمان مقدس» اشاره کرد. این گروه درمانگر نسب خویش را به «خلفای راشدین» می‌رسانند. آن‌ها علاوه بر اینکه از شخصیت درمانگری برخوردارند، به عنوان ریش سفید در حل مشکلات و دعاوی بین گروه‌های ترکمن نیز نقش دارند. شیوه درمانی این گروه با سایر درمانگران بومی ترکمن متفاوت است؛ توسل به کلام الهی، مدد جستن از قرآن، نوشتن دعا و دست زدن بر پیشانیو سر بیمار از شیوه‌های درمانگران متعلق به دودمان مقدس است. در باور مردم دودمان مقدس از قدرت فوق‌العاده‌ای



برخوردار است.²

خواندن ذکر یا اجرای آن از نکات کلیدی در درمان بیماران در فرهنگ مردم ترکمنی به شمار می‌رود؛ این شیوه درمان هم در پُرخوانیمشاهده می‌شود و هم در شفای دودمان‌های مقدس. ذکر با هر هدف و نیتی که برگزار شود، در نهایت کارکردهای متفاوتی را دنبال می‌کند و آن‌ها پدید آمدن حالات خلسه‌ای است که در آیین ذکر از مراحل اساسی درمان به شمار می‌رود. در آیین‌های متعدد شفای مقدس فرورفتن بیمار یا درمانگر به خلسه از مراحل مهم درمان به شمار می‌رود. به‌عنوان مثال در مراسم پُرخوانی درمانگر (پُرخوان) به خلسه می‌رود، حال آنکه در آیین شفای مقدس در امامزاده حنیفه لوشان، شهری در استان گیلان، خلسه بیمار در رفع نیروهای مرموز، اجنه یا شیطانی که بیمار را تسخیر نموده‌اند، از نکات بسیار کلیدی در مراحل درمان به شمار می‌رود.³

در فرهنگ مردم ترکمن نیز ذکر به عنوان یکی از عناصر اصیل آیین‌های شفای بیماران به شمار می‌رود. در پُرخوانی، درمانگر بومی با عنوان پُرخوان با اتکای به ذکر و خواندن و زمزمه کردن عبارتی که راز درمان بیماران در آن نهفته است، بیمارانش را مداوا می‌کند. «دودمان مقدس» نیز که در ادبیات مردم ترکمن از آن‌ها با عنوان «اولاد» یاد می‌شود، در مداوای بیمار عباراتی را زمزمه می‌کنند.

قراردادن بیماران در میان حلقه ذکر از شیوه‌های درمان بیماران روحی بوده که به تدریج دچار تغییر شکل شده است. آیین ذکر خنجر نمونه بارزی از ذکر درمانی میان اقوام ترکمن است. از حدود یک قرن پیش بیماران روحی را در میان حلقه ذکر قرار می‌دادند و گروه طی اجرای حرکات منظم پا و خواندن اشعاریکه در وصف خداوند و مدد طلبیدن از او بود، برای بیمار شفاعت می‌طلبیدند. آن گروه پس از اجرای ذکر به تدریج طی حرکات تند و منظم به حالت خلسه می‌رفت. ذکر با خلسه ذاکران درمی‌آمیخت. در نهایت نیز با ابزاری همچون خنجر که به سوی بیمار نشانه می‌رفتند، در بیماران ترس و وحشت ایجاد می‌کردند و بر نیروهای مرموزی که او را احاطه کرده بودند، غلبه می‌یافتند.

امروزه این آیین جنبه درمانی خویش را از دست داده و به صورت نمایشی بدون قرار گرفتن بیمار در میان حلقه ذکر انجام می‌شود. نمود واقعی ذکرخوانی همراه با حرکات خلسه‌گونه در آیین پُرخوانی همچنان قابل مشاهده است. این آیین ذکر فردی است که پُرخوان (درمانگر) آن را اجرا می‌کند. وی با شمشیری که در گذشته به هنگام اجرای مراسم آن را می‌گذاخت، وارد می‌شود. سپس در وسط اتاق و میان حلقه‌های حاضران نشسته دست‌ها را به سوی آسمان بالا می‌برد و در دل شروع به خواندن دعا می‌کند. در این هنگام دستگاه پخش صدا (ضبط صوت) توسط یکی از مریدانش روشن می‌شود و صدای سازی ترکمنی موسوم به «کیوترم» شنیده می‌شود. در گذشته این ساز توسط مریدان به وسیله «دوتار» نواخته می‌شد.⁴

در هنگام شنیدن این ساز، پُرخوان به سرعت به حالت خلسه در آمده و تمامی بدن او شروع به لرزیدن می‌کند. او با تکان دادن لبان خود چنان می‌کند که گویی حرف می‌زند. بنابه گفته خود پُرخوان او ابتدا به مذاکره و سپس به مشاجره با موجودات مهاجم می‌پردازد. پس از آن، در یک حرکت ناگهانی طناب بزرگی را که از سقف اتاق آویزان شده است، با دست خود گرفته و درحالی که از آن آویزان شده چندین بار به شکل دورانی دور خود در هوا (موقعیتی مابین زمین و آسمان) می‌پیچد. این حرکت با تشویق و ابراز احساسات حاضران



همراه است. پس از آن پُرخوان شمشیر را گرفته و با حالتی خشم آلود به طرف حاضران هجوم برده و با حرکاتی نمایشی بدون آنکه آسیبی بر کسی وارد آورد، ضرباتی به ظاهر سریع و تند بر پیکر افراد می‌نوازد، به این امید که موجودات تسخیرشده در بدن بیماران بترسند و از بدن آنان خارج گردند.

به طور عمده پُرخوان دامنه عمل کارهای خود را بر روی امراض روحی متمرکز کرده است. او ترجیح می‌دهد فرد سالمی را که به تازگی دچار بیماری روانی شده، درمان کند. به باور پُرخوان فردی که به تازگی به بیماری روحی مبتلا شده، خیلی راحت تر و بهتر درمان می‌شود تا فردی که همیشه از لحاظ سلامت روحی در وضع بدی قرار داشته است.

نوعی دیگر از ذکر توأم با خلسه است که گروهی انجام می‌شود و به آن ذکر صوفیان نیز گفته می‌شود. این گروه به منظور فراغت از گناهان به صورت گروهی ذکر اجرا می‌کنند. شروع مراسم به فرمان و رهبری مرشد که اصطلاحاً «خلیفه» نامیده می‌شود، با خواندن اشعار عرفانی توسط غزل‌خوان (رهبر گروه) آغاز می‌شود و ذاکران در این حالت به گفتن واژه (هوالله) می‌پردازند. پس از مدت یرفته‌رفته برخی تحت تحریک‌پذیری شدید قرار می‌گیرند. برخی نیز خیلی سریع به عالم خلسه فرورفته و با حرکات تند و شدید جسمی و پیچ و تاب‌دادن‌های مکرر اندام، به خصوص دست و سر مشغول می‌گردند. به تدریج تک‌تک آن‌ها از دور حلقه ذکر بلند شده و دور خود می‌پیچند. در شرایطی که مشغول کشیدن نفس‌های عمیق و بازدم‌های صدادار به صورت موزون و آهنگ‌دار هستند، پاشنه‌های پای خود را نیز به زمین می‌کوبند. پس از مدتی تلوتلو خورده و در حالت بی‌تعادلی‌روی زمین افتاده و همچنان غلت می‌خورند. آن‌ها تا حد توان سعی می‌کنند به اجرای این حرکات ادامه دهند تا اینکه به طور کامل خسته و بی‌حال گردند.⁵

برخی نیز به صورت ناگهانی به حالت خلسه فرو می‌روند که در یک حرکت ناگهانی و تند مثل جست‌وخیز کردن یا پریدن به هوا در حالت نشسته رخ می‌نماید. گاهی فردی که در حالت «شوری‌گری» فرورفته از جا بلند شده و در میان سایر مریدان حرکت نموده و با تماس بدنی با آن‌ها و یا با بغل گرفتن همدیگر حالاتی خاص را نشان می‌دهند. این حرکات در پایان به یک تخلیه شدید نیروی عقلانی و عصبی ختم می‌شود و به جای ایجاد ناراحتی‌های جسمانی و روانی در آنان فشارها و ناراحتی‌های روانی متراکم شده را هم از بین می‌برد. گروه به این طریق از بارگناهان و عذاب وجدان‌هایی جسته و با تکان‌های شدید خلسه‌گونه به درمان خویشتن می‌پردازند.⁶

بر اساس مشاهده‌های میدانی در قلمرو تحقیق در شهرستان گنبد کاووس و کلاله شهرهایی در استان گلستان ایران همه مردم برای مداوای بیماری خود و دیگر اعضای خانواده، نزد درمانگران بومی مراجعه نمی‌کنند. بر اساس داده‌های پژوهش و مطالعه انجام‌شده در این مناطق، بیست مورد از بیماران و خانواده‌هایشان که بیشتر از گروه متوسط یا متوسط به پایین هستند، در افکارشان نسبت به درمان امراض و بسیاری از دردها، نیروهای ماوراءالطبیعه را دخیل می‌دانند. نیروهای ماوراءالطبیعه همان نیروهای پنهانی هستند که با ایمان قلبی بیماران در ارتباط است و در مراحل درمان به یاری آن‌ها می‌شتابد. غالب این افراد برای مداوای خویش از درمانگرانی که نقش رهبری و ارتباط بین نیروهای نامرئوز و بیمار را بر عهده دارند مراجعه می‌کنند.

درمانگران و بیماران به روزهای خوش‌یمن و بدیمن معتقدند. بر اساس باورهای عامیانه در فرهنگ مردم ترکمن در روزهایی از ماه، ستاره نحس



در آسمان وجود دارد و در آن روزها انجام کار خیر باعث ضرر و خسران می‌شود، لذا آن‌ها سعی می‌کنند در این روزها نزد درمانگران نروند. چنانچه پیداست شیوه درمانی «ذکر» در مناطق مختلف دنیا به عنوان یکی از فنون مهم درمانی به شمار می‌رود. این فن درمانی در میان درمانگران بومی ترکمن برای مهار موجودات نامرئی که بیمار را احاطه کرده و باعث رنجش او می‌شوند، به کار می‌رود. گرایش به دعا و نیایش هنگام بیماری و غلبه بر آن با به کار بردن ابزار ذکر در بین خانواده‌های ترکمن مرسوم است. ذکر درمانی ریشه در باورهای عمیق مذهبی و کهن این گروه قومی دارد. فرهنگ‌های بومی روش‌های کهن و باستانی را برای درمانگری به کار می‌گیرند. درمانگر بومی در این روش ابتدا به یک تشخیص می‌رسد. تشخیص معمولاً با حالت خلسه به انجام می‌رسد. درمانگران بومی با نماز، دعا و ذکر مراسم شفای بیماران را اجرا می‌کنند. شرکت‌کنندگان در مراسم پرخوانی عبارت‌اند از درمانگر و افراد مراجعه‌کننده و تعدادی از بستگان. شرکت در این گروه آیینی خلسه، ذکر و موسیقی و در نهایت یک تجربه قوی شفایابی برای افراد شرکت‌کننده را به ارمغان می‌آورد.

دخالت مستقیم فرد درمانگر که از آن به عنوان مرد یا زن طیب یاد می‌شود، در این روند درمانگری بخشی از روش پیچیده اعمال و باورها و آیین‌های اقوام ترکمن است. در آیین پُرخوانی روح بیمار به وسیله موجودات نامرئی مورد تهاجم قرار می‌گیرد و پُرخوان به کنترل موجوداتی که باعث رنجش روح می‌شوند، می‌پردازد.

References

- Azadegan J. [*Adyan-e Ebtedayi, Tahghigh Dar Toutemism*]. Tehran: Miras-e Melal Publication, 2006. [in Persian]
- Ghajaghi-Nezhad Sh. [*Jelve-ha-ye Darmani-Honari-ye 'Ayin-e Zekr dar Farhang-e Mardom-e Torkaman*]. *Korsi Journal (Mah-name-ye Motale'at-e Farhangi-ye Daneshgah-e Payam-e Nour-e Ostan-e Alborz)*. 2015;7:12-18. [in Persian]
- Ghajaghi-Nezhad Sh. [*Naghsh-e Tavayef-e Moghaddas dar Darman-e Bimaran-e Rouhi dar Beyn-e Aghvam-e Torkaman*]. Tehran, 2018. [in press].
- Kan'ani MA. [*Torkaman-ha-ye Yamout*]. Tehran: Nashr-e Afkar, 2007.
- Khormali AH. [*Darmangari-ye Boumi Dar Jame-ye Torkaman*]. Payan-Name-ye Karshenasi-ye Arshad, Daneshgah-e Azad-e Eslami, Vahed-e Tehran Markaz.
- Maghsoudi M. [*Darman-e Boumi Dar Miyan-e Zanan-e Torkaman*]. *Faslnameh-ye Zan Dar Farhang Honar Journal*. 2010; 1(3): 59-78.
- MalekRah M. [*Ayin-ha-ye Shafa*]. Tehran: sazman-e Miras-e Farhangi, 2006. [in Persian]
- Nadimi K. [*Pazhouhesh-ha-yi Bar Farhang Va Tamaddon-e Mardom-e Golestan*]. Gorgan: Entesharat-e Faraghi, 2008. [in



Persian]

Shine B. [*Jadou-ye Zehn*]. Translated by Iran-Nezhad N. Tehran: Nashr-e Bita, 2009.

6- Maghsoudi, 2010: 70.